

دو نمونه از جنگهای به وقوع پیوسته محمد ، این عرب زاده بی فرهنگ با یهودیان طایفه بنی قریظه و بنی مصطلق و عوامل بوجود آورنده جنگ ها با این هدف که زمینه ای را برای شناخت اسلام و منطق اسلام حقیقی ، چیزی که جوهره و ذات اصلی اسلام را در منظر انسانی به خوبی نمایان می کند ، فراهم سازد ، به شرح زیر است :

اسارت طایفه " بنی مصطلق " و تصاحب اموال و داراییهای آنان

دلایل جنگ با این قبیله :

مطلع شدن محمد از تمایل این قبیله به پیوستن به سپاه قریش برای جنگ با محمد - دلیل تصمیم افراد قریش به جنگ با محمد در هراسی که آنان از افزایش قدرت محمد و همچنین برخوردی که با یهودیان قبایل بنی نظیر و بنی قنیقاع داشته ، نهفته است .
پس از بدست آوردن اطلاعات لازم در مورد قبیله مزبور ، محمد بر طرح تهاجمی آنان پیشدستی کرده و تصمیم به قلع و قمع آنان می گیرد در جهت تضعیف روحیه متحدان قریش .

نتیجه این جنگ که تلفات چندانی هم نداشته در به اسارت کشیدن دو بیست خانواده یهودی و به غنیمت بردن دو هزار شتر و پنجهزار گوسفند و مقادیر زیادی اثاث و وسایل خانه و بر طبق معمول برداشتن یک پنجم از غنایم توسط شخص محمد (وی با غنایم به دست آمده در جنگها در اندیشه تقویت نیروی نظامی اش بود) ، آوردن افراد اسیر شده به مدینه و آزاد کردن آنان به علت زیر تاثیر قرار گرفتن محمد بواسطه زیبایی افسون کننده " جویریة " دختر " حارث بن ابو دیرار " و ازدواج وی با او و امضا پیمان جدید با قبیله مذکور ختم می شود

جنگ خندق و قتل عام مردان طایفه یهودی " بنی قریظه " و اسارت زنان و فرزندان آنها

دلایل جنگ با این قبیله : اطلاع یافتن محمد از آماده شدن سپاه قریش به فرماندهی ابوسفیان برای رویارویی با محمد ، به دلیل تضعیف نیروی نظامی محمد به علت شکست در جنگ احد راهکار ابداعی سلمان فارسی " پشت به میهن " برای هرگونه مقابله با قریش به منظور حفر خندق مورد قبول واقع می شود .

ابوسفیان عبور از خندق را دشوار می بیند و در این اثنا تصمیم می گیرد یگانه طلایفه متحد محمد یعنی " بنی قریظه " را بر ضد محمد بشوراند . رییس طلایفه بنی قریظه با میانجیگری " حبه " که از سران تبعیدی یهودی بوده ، موافقت کرده و با قریش بر ضد محمد متحد می شود .

خبر اتحاد قبیله مزبور به محمد رسیده ، دو مامور برای تایید خبر به قبیله بنی قریظه اعزام میکند و ماموران گزارش می کنند که خبر اتحاد طایفه یهودی بنی قریظه به قریش کاملاً درست است . از شنیدن این خبر روحیه لشکریان محمد منززل می شود و به فکر پیوستن به لشکر دشمن می افتند . " اکرمه " پسر ابوجهل و چند تن دیگر از خندق می گذرند اما علی و چند تن از لشکریان راهشان را مسدود میکنند . عمرین عبود در این جنگ مسلمانان را به دونل تن به تن دعوت می کند و توسط علی بواسطه نیرنگش از پای در می آید .

لشکر قریش فردای آن روز جنگ وسیعی را تدارک می بیند و محمد باین نتیجه می رسد که تنها یک معجزه می تواند او را نجات دهد ، خیمه محمد که در آن محمد با عایشه ، ام سلمه و زینب شطرنج معاشرت می زد به مخاطره می افتد . اما دفاع شجاعانه صف اول مسلمانان مهاجمین را به عقب می راند . در این جنگ " سعد ابن معاذ " رییس طایفه " اوس " از متحدان لشکر محمد با نیزه ای زخمی شده و چند تن دیگر به هلاکت می رسند .

در روز دوازدهم محاصره ، محمد بسیار احساس خطر میکرد ترفندی می زند و سپاه قریش را با قبیله بنی قریظه بر ضد یکدیگر می شوراند با واسطه گری شخصی حبله گر بنام " نعیم بن مسعود " . محمد در قبال عمل انجام شده وی می گوید : اصولاً جنگ چیزی جز فریب و نیرنگ نیست

سپاه قریش از بیم حمله یهودیان بنی قریظه آزرده خاطر شده ، روحیه خود را می بازند و نقشه آنان برای غلبه بر محمد نقش بر آب می شود. بنابراین راه برگشت به مکه را ترجیح میدهند و سپاه محمد بر اثر ترسند محمد از آن مهلکه جان سالم به برده و به پایکوبی می پردازند. بعد از این واقعه محمد که هنوز گرد و خاک جبهه جنگ رویش نشسته بود به یارانش می گوید جبرئیل فرشته بر او ظاهر شده و به وی تکلیف کرده بنابر دستور خداوند باید یهودیان را قلع و قمع کند.

سپاهیان محمد قلعه طایفه یهودی بنی قریظه را محاصره میکنند ، یهودیان پیشنهاد می کنند حاضرند کلیه اموال و اراضی خود را به محمد واگذار کرده و از مدینه بیرون بروند. اما محمد به رسم یهودی کشی و چون می بیند قادر به کمک گرفتن از سایر طوایف نیستند ، تقاضایشان را رد می کند.

افراد طایفه به علت نبودن آذوقه تسلیم محمد می شوند و موافقت میکنند طایفه اوس درباره سرنوشت آنان داوری نماید. بعد از ۲ هفته محاصره در حدود ۲۰۰۰ نفر از افراد طایفه یهودی از خانه های خود بیرون آمدند. در بین افراد قبیله چشم محمد به زن بسیار زیبایی به نام " ریحانه " می افتد و تصمیم می گیرد او را به زنان حرمسرایش اضافه کند.

سران طایفه اوس که قرار بود درباره سرنوشت طایفه بنی قریظه داوری کنند ، اصرار می ورزند افراد طایفه بنی قریظه را آزاد و از خونشان در گذرد و لاقل همان عملی که در گذشته با طوایف یهودی بنی النظیر و خزرج انجام داده بود درباره قبیله بنی قریظه نیز بکار گیرد. محمد پیشنهاد می کند که کار داوری درباره سرنوشت قبیله مزبور به یکی از خود آنها واگذار شود و آنها موافقت می کنند. محمد " سعد بن عباده " را نامزد میکند. محمد که قصد داشت کار بنی قریظه را یکسره کند ، می دانست چه کسی را برای داوری برگزیند. سعد بن معاذ بعلت اینکه فکر می کرد بنی قریظه در دوستی با آنها خیانت کرده و با دشمن آنها یعنی قریش متحده شده بود از این طلایفه متنفر بود. سعد بن معاذ را برای داوری می آورند رو کرده به افراد طایفه اش و می گوید : آیا شما با توجه به مشیت خداوند متعال قول می دهید آنچه را که من رای دهم مورد قبول قرار دهید؟

آنها موافقت خود را اعلام نموده ، سعد بن معاذ اظهار می دارد : قضاوت من این است که مردان طایفه بنی قریظه اعدام ، زنان و بچه هایشان اسیر و بعنوان برده فروخته شوند و اموال آنها بین لشکریان محمد تقسیم گردد.

بله این پیامبر عظیم الشان برای این طایفه اینگونه آش طبع می کند و پس از اعدام مردان یهودی بر بالای منبر رفته و آیتی را که ادعا می کرده از جبرئیل می گرفته برای پیروانش قرانت میکند. آیات 9 تا 26 سوره احزاب. آیه ۲۶ می گوید :
و خداوند شما را وارث اراضی و سرزمین و اموال آنها کرد و نیز سرزمینی را که هیچ در آن قدم ننهاده بودید ، نصیب شما کرد و خداوند بر هر چیز تواناست

با کنگ اندیشه بر سر زدن و بررسی پیرامون مطالب نوشته شده . از زمان شکل گیری بنیاد اسلام تاریخ مسیر پر مخاطره ای را گذرانده تا بدین جا رسیده است. دفتر تاریخ اسلام را که ورق بزیم ، در هر ورقش شرح رخداد جنگی است نتیجه کشمکش های مربوط به زمانه خویش و منطق خردگرا حکمفرما نبوده است.

علت این امر ، یاری خواهی بسیاری از کتاب قرآن بویژه نکات تقریر یافته در سور مدنی برای دامن زدن به جنگی تازه و توجیه اعمال غیر انسانی خویش بوده که این به نوبه خود بازده خشونت های شخص محمد در مدینه بوده است. به استثنای برخی سوره های مکی که پیش از هر چیز محصول دوران درماندگی و استیصال محمد بی فرهنگ در مکه بوده است. تاکید می ورزیم کتاب قرآن کتابی است زابیده ذهن زیاده خواه محمد پیامبر بی فرهنگ که در صورت عمل افراطی به دستورات و اوامرات مرقوم شده بویژه سوره های مدنی در آن برق آدمیت از انسان گرفته شده.

دستاویزی ساخته برای ضحاک سیرتانی که در جستجوی نام و نشان هستند ولو به قیمت سرکوبی بسیاری از همنوعان خویش از طریق بازیچه قرار دادن افکار و عقاید عامه.

بنابراین به این نتیجه می رسیم که علت عدم پیشرفت دولت های اسلام گرا در به کار بستن همین کتاب قرآن محمد بی فرهنگ نهفته است که با طرح این منزلت الهی ، تعقل انسانی را با خود به گور برده و در این حالت منقولات نیز جلوه مند می شوند در این معنا که بله چون تقی و نقی اینگونه امر کرده اند ، جعفر و باقر آن گونه ، بایستی سیره عملی آنها را بکار بندیم. این دریوزه های عرب " بازمانده های محمد" هم کور خود بودند و بینیای مردم.

تردید نکنیم اگر عقل به جای نقل در مسند تفکر انسانی نشیند ، دنیا پوستانی خواهد شد سرشار از شور و طراوت انسانی. همانگونه که تاریخ زندگی این بی فرهنگ نگارش یافت ، تاروپود واقعیت مآب اسلام بر تفکر تنگ نظرانه و خشونت آمیز بنیان نهاده شده ، نه رحمتی که از آنان سخن رانده و زیر علمش سینه می زنند. فلسفه جنگ های محمد بی فرهنگ به سرسختی او در قیولاندن عقیده و مکتبش ، تعصبات کوتاه فکرانه اش ، تمایلات جاه طلبانه و طبع آزینش مختوم می شود و نه اینکه کسی بر ضد اسلام او بی جهت دشمنی و عداوتی صورت داده باشد.

حال با همین توضیحی که رفت میتوان به شخصیت واقعی دژخیم محمد بی فرهنگ ، علی نیز پی برد. در جنگ با طایفه بنی قریظه مشاهده نمودید که علی اگر حتی ۲۰ تن یا ۵۰ تن از آنان را مقتول نموده باشد منطقی در ورای رفتار غیر انسانی اش نیست که عملش را توجیه پذیر نموده و تبرئه اش کند. در منطقه عرب تا کنون استثنایی ظهور نکرده و ظهور نخواهد کرد که باغبان فطرت نهال نهادشان را به آب شهوت و خشونت پرورش داده. اما گوهر ایرانی از کانی دیگر است دوستان بزرگوار ، صرفنظر از وجود دانشمندان ، شاعران ، ریاضیدانان ، منجمان و طبیبان ، کاتبان و ... دانش دوستان قدیم سرزمین پارس که ذکر نامشان نیز پُری بی لطف نیست ، حتی در زمان نابه سامانی و پریشانی اوضاع قاجاریه بزرگمردانی همچون امیر کبیر و مصدق به منصفه ظهور رسیدند ، در خاک ایران از اینگونه مردان بزرگ منش و انسان دوست و نجیب رفتار فراوان یافت می شود ، صرفا با این دلیل و فرنود که خاک سرزمین ایران نیک گوهر خیز است و دُر افشان

با سپاس فراوان
مهدی طیبی - ایران
ایدون باد سرزمین همیشه جاوید ایران

منبع مربوط به متن - جنگهای اسلام با یهودیان - برگرفته از کتاب کوروش کبیر و محمد بن عبدالله نوشته مسعود انصاری است

ایدون باد سرزمین همیشه جاوید ایران

درفش کاویانی



<https://derafsh-kaviyani.com/>
<https://the-derafsh-kaviyani.com/>